

تحلیل تأثیر اصول عزت، حکمت و مصلحت

بر استراتژی های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه آیت الله خامنه ای مدظله العالی

نرگس اسدی^۱

چکیده

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از زمان انقلاب ۱۳۵۷ بر پایه اصول سه گانه عزت، حکمت و مصلحت استوار است که این اصول به عنوان زیرساخت هویتی و راهنمای عملی در تدوین و اجرای راهبردهای کلان کشور عمل می کنند. مسئله اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر این اصول بر چهار گونه راهبردی سیاست خارجی ایران شامل استراتژی انزواگرایی، استراتژی عدم تعهد، استراتژی بی طرفی و استراتژی اتحاد و ائتلاف است. هدف تحقیق، تحلیل نقش و کاربست این اصول در شکل دهی به راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی می باشد. روش پژوهش ترکیبی توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی بالغ بر ۳۰ سند مکتوب از بیانات رهبری در بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۲ است. یافته های تحقیق نشان می دهد که اصول عزت (مستند به «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ»)، حکمت (مطابق «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا»)^۱ و مصلحت (بر پایه «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ»)^۲ به عنوان هسته مرکزی سیاست خارجی ایران، تداوم راهبردی داشته و توانسته اند توازن میان حفظ استقلال ملی، خردورزی دیپلماتیک و رعایت مصلحت های استراتژیک را تضمین کنند. این اصول، زیرساخت هویتی تغییرناپذیر سیاست خارجی ایران بوده و در مواجهه با تحولات ژئوپلیتیک، ثبات و پایداری سیاست های خارجی کشور را تأمین کرده اند. این پژوهش با ارائه تحلیلی جامع از کاربست این اصول، به درک عمیق تر مبانی نظری و عملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران کمک می کند.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی ایران، اصول عزت، حکمت، مصلحت، راهبردهای، دیدگاه آیت الله العظمی خامنه ای

^۱ - کارشناسی ارشد علوم سیاسی و طلبه سطح ۳ تاریخ اسلام

مقدمه

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از آغاز انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ تاکنون، بر پایه اصول سه‌گانه عزت، حکمت و مصلحت استوار بوده است که این اصول به عنوان زیرساخت هویتی و چارچوب راهنمای عملی، نقش کلیدی در تدوین و اجرای راهبردهای کلان کشور ایفا می‌کنند. در گفتمان سیاست خارجی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، تمایز راهبردی دولت‌ها در مواجهه با نظام سلطه همواره مورد تأمل بوده است. انقلاب اسلامی ایران با اتخاذ چارچوب «معادله‌گریزی از قطب‌بندی» که مستند به آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) الگویی نوین در روابط بین‌الملل ارائه کرد. این چارچوب در قالب چهار گونه راهبردی انزواگرایی، عدم تعهد، بی‌طرفی و اتحاد و ائتلاف تبلور یافته است. مسئله اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر و کاربست اصول عزت، حکمت و مصلحت در شکل‌دهی به این راهبردهای سیاست خارجی است. اهمیت و ضرورت تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که این اصول، به عنوان هسته مرکزی سیاست خارجی ایران، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ استقلال، کرامت ملی و توازن دیپلماتیک کشور در عرصه جهانی دارند و علیرغم تحولات ژئوپلیتیک، به عنوان زیرساخت هویتی تغییرناپذیر باقی مانده‌اند. همچنین، پرداختن به این موضوع در ادبیات پژوهشی، به ویژه با تمرکز بر بیانات رهبر معظم انقلاب، خلأ مهمی را پر می‌کند. هدف اصلی تحقیق، تحلیل دقیق و کیفی کاربست این اصول در تدوین راهبردهای سیاست خارجی ایران است. پرسش محوری پژوهش این است: مؤلفه‌های قرآنی عزت‌محور، حکمت‌بنیان و مصلحت‌گرا چگونه الگوهای رفتاری و راهبردی جمهوری اسلامی ایران را شکل می‌دهند؟ روش تحقیق ترکیبی توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی است. یافته‌های این پژوهش مبتنی بر تحلیل کیفی بیش از ۳۰ سند مکتوب از بیانات رهبر معظم انقلاب در بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۲ نشان می‌دهد که اصول عزت، حکمت و مصلحت به عنوان زیرساخت هویتی تغییرناپذیر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نقش محوری در تدوین و اجرای راهبردهای کلان ایفا می‌کنند. این اصول ضمن حفظ استقلال و کرامت ملی، راهنمایی خردمندانه برای مواجهه با تحولات ژئوپلیتیک بوده و توازن میان منافع ملی، خردورزی دیپلماتیک و مصلحت‌اندیشی استراتژیک را تضمین می‌کنند. به این ترتیب، این سه اصل، هسته مرکزی و پایدار سیاست خارجی ایران را شکل داده و استمرار و پایداری آن را در عرصه بین‌المللی تضمین می‌نمایند.

۱. چارچوب نظری پژوهش

الگوی تحلیلی این پژوهش، چارچوب سه‌بعدی عزت-حکمت-مصلحت است که به‌عنوان مبنایی ساده، قابل فهم و قابل اجرا در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌شود. این الگو شامل سه بُعد مکمل است:

۱. بُعد عزت‌محور که بازتولید کرامت ملی و نفی ذلت در روابط بین‌الملل را نمایندگی می‌کند و بر پایه آیه «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: ۸) استوار است.
۲. بُعد حکمت‌بنیان که عقلانیت راهبردی و تدبیر خردمندانه در تعاملات بین‌المللی را نشان می‌دهد، مطابق با آیه «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ» (بقره: ۲۶۹)؛
۳. بُعد مصلحت‌آمیز که تحقق منافع ملی را در چارچوب موازین شرعی و مصلحت‌اندیشی هوشمندانه تأکید می‌کند، مستند به آیه «يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ» (اعراف: ۱۵۷)؛ این الگو که از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۲ استنتاج شده، به‌عنوان چارچوب تحلیلی پژوهش، رفتار راهبردی جمهوری اسلامی ایران را در چهار عرصه راهبردی انزواگرایی، راهبرد عدم تعهد، راهبرد بی‌طرفی و راهبرد اتحاد و ائتلاف تبیین می‌کند. این چارچوب، ضمن سازگاری کامل با روش توصیفی-تحلیلی تحقیق، از پیچیدگی‌های نظری رایج در روابط بین‌الملل فاصله گرفته و بر مبنای مفاهیم قرآنی و بیانات رهبری، قابلیت تبیین و تحلیل دقیق سیاست خارجی ایران را داراست. به این ترتیب، ابعاد عزت، حکمت و مصلحت به ترتیب نمایانگر بعد هویتی، عقلانی و کارکردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هستند که در عین حفظ استقلال و کرامت ملی، خردورزی دیپلماتیک و مصلحت‌اندیشی استراتژیک را تضمین می‌کنند.

۲. مفاهیم

• عزت

اصل عزت در روابط خارجی دولت اسلامی بیانگر برتری آموزه‌های اسلام و جوامع مسلمان است. آیات و حدیث معروف «الإسلام یعلو ولا یُعلى علیه» از مستندات این اصل‌اند. این اصل به جامعیت و کمال دین اسلام اشاره دارد که خداوند آن را کامل‌ترین و برترین دین معرفی کرده است و قبول دیگر ادیان را رد می‌کند. بنابراین، دولت اسلامی نباید در سیاست خارجی خود رفتاری داشته باشد که این اصل خدشه‌دار شود. برخی آیات قرآن، تکیه مسلمانان بر کافران برای کسب عزت دنیوی را ناپسند دانسته و تأکید کرده‌اند که عزت واقعی از آن خدا، پیامبر و مؤمنان است. اصل عزت اسلامی مانند اصل نفی سبیل، بر معاهدات و رفتارهای خارجی دولت حاکم است؛ به طوری که اگر سیاست خارجی موجب عزت دشمنان و ذلت مسلمانان شود، ممنوع است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای عزت را به معنای استحکام درونی فرد یا جامعه می‌داند که موجب اقتدار در مواجهه با دشمنان و موانع شده و بر چالش‌ها غلبه می‌کند. وقتی عزت به فرد یا جامعه تعلق گیرد، مانند حصار مستحکم عمل می‌کند که نفوذ و نابودی را برای دشمن سخت می‌سازد و انسان را از شکست حفظ می‌کند. «در منطق قرآن، عزت واقعی و کامل متعلق به خداوند و متعلق به هر کسی است که در جبهه خدائی قرار می‌گیرد، در مصاف بین حق و باطل، بین جبهه خدا و جبهه شیطان، عزت متعلق به کسانی است که در جبهه خدائی قرار می‌گیرند» (رهبر انقلاب، ۱۳۹۱/۰۳/۱۴). عزت در نظام جمهوری اسلامی بر پایه تفکر اسلامی و توحیدی استوار است و بر محبت به خدا و خدمت به بندگان تأکید دارد. بر این اساس، در روابط بین‌المللی باید کرامت ملت ایران حفظ شود و از هر اقدامی که موجب تحقیر شود، پرهیز گردد. آیت‌الله خامنه‌ای عزت و استقلال را مفاهیمی مرتبط و هم‌زمان می‌داند و معتقد است که استقلال یعنی باور به هویت و عزت خود و دفاع از آن در برابر دشمنان. همچنین، استقلال رأی در تعامل با دیگر کشورها از مولفه‌های مهم عزت ملی است. رهبر انقلاب تأکید می‌کند که عزت نقش کلیدی در حفظ استقلال دارد، اما این دو مفهوم کاملاً یکسان نیستند و هر کدام جایگاه خاص خود را دارند. در مقابل عزت نفس، ذلت نفس قرار دارد که به معنای خوار شدن، زبونی و پستی نفس است. ذلت، فقدان عزت و شرافت در انسان محسوب می‌شود؛ از این رو، فرد ذلیل به آسانی شکست را می‌پذیرد. علاقه‌مندی به عزت و تنفر از ذلت، امری فطری است که در ذات همه انسان‌ها نهفته است.

• حکمت

حکمت دانشی است که به کمک علم و عقل، حقایق را می‌شناسد و انسان را به عمل درست هدایت می‌کند. این مفهوم شامل شناخت، عمل به حق، و جلوگیری از خطا و گمراهی است و باعث استحکام و ثبات در رفتار فرد می‌شود.

حکمت دانشی است که فایده و منفعت آن بزرگ و فراوان است (طبرسی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۶۵۹)؛ حتی که حق را نتیجه دهد، آن سان که هیچ شک و ابهام و وهنی در آن باقی نماند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۷۱)؛ حکمت به معنای علمی است محکم و استوار که از استنباط و روایت‌های معتبر نشأت می‌گیرد و بر اساس عقل و منطق صادق شکل گرفته است. این علم حقیقی، شناخت اشیاء و قرار دادن هر چیز در جایگاه مناسب و شایسته خود است، به گونه‌ای که هر چیز در موقعیت و مرتبه‌ای قرار گیرد که سزاوار آن است. حکمت عبارت است از قرار دادن هر چیزی در مکان مناسب خود، چه در گفتار و چه در کردار؛ می‌توان گفت حکمت یک حالت و خصیصه و درک و تشخیص است که شخص به وسیله آن می‌تواند حق و واقعیت را درک و مانع از فساد گردد و کار را مستحکم به انجام دهد (نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۱۰، ص ۵۱)، بنابراین حکمت حالت نفسانی و صفت روحی است، و شی خارجی نیست، بلکه شی مستحکم خارجی از نتایج حکمت است.

حکمت در کلام رهبری معظم انقلاب، عبارت است از «مستحکم‌ترین افکار و اندیشه‌ها» (رهبر انقلاب، ۱۳۷۵/۰۲/۲۶)، حکمت آن بینشی است که می‌تواند حقایق را ماورای غشای مادی آن ببیند (سخنرانی رهبری، ۱۳۶۹/۰۶/۲۹)، انبیاء و بندگان صالح خدا را مزین به حکمت و مصداق اندیشه مستحکم معرفی می‌کنند. معتقدیم حکمت همان فکر مستحکمی است که هیچ ابزار عقلی نمی‌تواند آن را نفی و از بین ببرد و هیچ استدلال تجربی هم نمی‌تواند توأم با آن را خنثی کند. شما در قرآن به آیاتی که «حکمت» را معین می‌کند می‌نگردید، می‌بینید چه چیزهایی است: «ذلک مما أوحی إلیک من الحکمة»؛ چیزهایی است که اگر بشریت تا ابد هم تلاش کند، نمی‌تواند آن‌ها را رد کند. هیچ منکری، هیچ مغرضی، هیچ معاندی نمی‌تواند در رد آن‌ها بکوشد. حکمت یعنی مستحکم‌ترین افکار و اندیشه‌ها.

بنابراین، با تبیین آیات «ادع إلى سبیل ربك بالحكمة» (بنی اسرائیل: ۳۹)؛ چیزهایی است که اگر بشریت تا ابد هم تلاش کند، نمی‌تواند آن‌ها را رد کند. هیچ منکری، هیچ مغرضی، هیچ معاندی نمی‌تواند در رد آن‌ها بکوشد. حکمت یعنی متحکم‌ترین افکار و اندیشه‌ها بنابراین، با تبیین آیات «ادع إلى سبیل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة» (نحل: ۱۲۵)، و «وجادلهم بالتي هي أحسن» (همان)، حکمت را رمز ماندگاری و عامل بقای تفکر اسلامی معرفی می‌کنند. و ایشان حکمت را به عنوان یکی از سه ضلع مثلث در چارچوب روابط بین‌المللی و یک اصل در سیاست خارجی برمی‌شمردند و در تبیین آن می‌فرمایند: عقلانیت مهم‌ترین ابزار کار ماست؛ عقل را به کار می‌بریم. همین‌طور که در اصول سیاست خارجی بارها گفته‌ایم، حکمت یکی از اصول سه‌گانه ماست و در کنار آن، مصلحت. ما حکیمانه و مدبرانه عمل می‌کنیم. این، مخصوص سیاست خارجی ما نیست، بلکه در همه زمینه‌هاست. اسلام ما، اسلام عقلانی است؛ عقل کاربرد بسیار وسیعی در فهم ما، تشخیص اهداف و تشخیص ابزارهای ما دارد (رهبر انقلاب، ۱۳۸۳/۰۵/۲۵). در سیاست خارجی، نظام اسلامی باید با حکمت و دوری از احساسات و بی‌توجهی به موانع و شرایط لازم حرکت کند. رهبر معظم انقلاب تأکید دارند که در تعامل با دشمنان نیز باید با تدبیر و حفظ ارزش‌های معنوی عمل کرد. اصل مهم حکمت در سیاست خارجی، رعایت ارزش‌ها و تلاش برای پیشبرد اهداف بدون فشار یا خدشه به این ارزش‌هاست. به این ترتیب، دیپلماسی باید مبتنی بر منطق، عقلانیت و نزدیکی به منافع خردمندانه باشد. اصل حکمت در سیاست خارجی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای به معنای سخن و عمل سنجیده، منطبق بر منطق و خرد حکیمانه است که با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و دوری از احساسات انجام می‌شود. نظام اسلامی نباید بدون توجه به موانع و شرایط لازم حرکت کند و باید با تدبیر کامل، حتی در مواجهه با دشمن، رفتار حکیمانه داشته باشد. رهبر معظم انقلاب تأکید دارند که در سیاست خارجی باید ارزش‌های معنوی حفظ شود و دیپلماسی فعال و منطقی، بدون فشار بر این ارزش‌ها، دنبال گردد تا به تدریج به منافع خردمندانه نزدیک شویم. در مجموع حکمت به معنای تدبیر، خردمندی و عقلانیت محکم است که به فرد توان تشخیص حق و جلوگیری از فساد را می‌دهد و کارها را مستحکم انجام می‌دهد. آیت‌الله خامنه‌ای حکمت را فکری مستحکم می‌داند که هیچ ابزار عقلانی نمی‌تواند آن را نفی کند. اجرای اصل حکمت یعنی سنجیدن سخن و عمل بر اساس منطق، خرد حکیمانه، شرایط زمان و مکان و دوری از احساسات است. در سیاست خارجی، رعایت ارزش‌های معنوی و استفاده از منطق بدون فشار، باعث نزدیکی مواضع و موفقیت در تعاملات می‌شود، که نمونه آن سیره حکیمانه پیامبر اکرم است.

• مصلحت

مصلحت در اندیشه مقام معظم رهبری عبارت است از: «تشخیص صلاح دین و دنیای مردم» (رهبر انقلاب، ۱۳۶۹/۰۶/۲۱)، همچنین مصلحت در سیاست خارجی و مناسبات خارجی ایران، معنای اصالت دادن به اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی و تأمین دفاع و منافع ملی با رعایت موازین اسلام و اصول مصرح قانون اساسی است. در سیاست جناحی جایگاهی ندارد. مرکز ثقل ما در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، مطالبات متناقض فردی و حزبی نیست، بلکه مصلحت‌گرایی، مصلحت اسلام و نظام جمهوری اسلامی است. عنوان‌ها، دولت و حکومت اسلامی ما موجود در جهان معاصر است و مهم‌ترین و اولی‌ترین مصلحت اسلام و مسلمانان نیز حفظ موجودیت است. در مجموع، مصلحت به معنای صلاح و منفعت است که با مقاصد انسان در امور دنیوی و اخروی هماهنگ باشد و نتیجه آن نفع یا دفع ضرر باشد. دولت اسلامی برای حفظ منافع معنوی و مادی جامعه اسلامی و در راستای اهداف شرع، تدابیری اتخاذ می‌کند که حکم حکومتی محسوب می‌شود. از نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مصلحت یعنی تشخیص صلاح دین و دنیای مردم با توجه به شرایط زمان و مکان و دوری از مصلحت‌اندیشی‌های شخصی، بر اساس تکلیف شرعی. مهم‌ترین مصلحت امروز، حفظ موجودیت جمهوری اسلامی به عنوان مرکز جهان اسلام است.

• سیاست خارجی

دولت‌ها به دو حوزه امور داخلی و بین‌المللی تقسیم می‌شوند سیاست خارجی نقش مهمی در نظام سیاسی و روابط بین‌الملل دارد و می‌تواند به صورت ابتکار عمل یا واکنش نسبت به دیگر دولت‌ها باشد (مقتدر، ۱۳۵۸، ص ۱۳۱-۱۳۲)، سیاست خارجی به معنای خط‌مشی و روش دولت در مواجهه با مسائل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت، دفاع از موجودیت و تأمین منافع ملی است (منصوری، ۱۳۶۵ ص ۱۱)، اهداف سیاست خارجی شامل تأمین امنیت، توسعه اقتصادی، کسب اعتبار و رفاه ملت است. هر دولتی که نتواند امنیت مرزهای خود را حفظ کند و شرایط لازم برای رشد و توسعه اقتصادی را فراهم آورد، در تحقق این اهداف ناکام خواهد بود، سیاست خارجی در اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای استمرار سیاست‌های بنیادین جمهوری اسلامی

است که از سوی حضرت امام خمینی (ره) پایه‌ریزی شده است. ایشان در بیان اصول و اهداف سیاست خارجی، بر ادامه خط امام و اصل تغییرناپذیر دشمنی شرق و غرب تأکید دارند. مهم‌ترین اصل در سیاست خارجی، حمایت از هویت نظام اسلامی و پافشاری بر اصول و ارزش‌ها است. سه اصل عزت، حکمت و مصلحت به عنوان مثلث الزام‌آور در چارچوب ارتباطات نظام جمهوری اسلامی شناخته می‌شوند که باید در تمامی عرصه‌های سیاست خارجی و دیپلماسی رعایت شوند (حاتمی راد، ۱۳۸۵)؛ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای میدان سیاست خارجی را عرصه‌ای وسیع و پرچالش می‌داند که در صف مقدم نبرد با نظام سلطه جهانی قرار دارد. این میدان نیازمند تقوا، استحکام، اعتماد به نفس، اطمینان به راه، دیسپلین قوی، ابتکار عمل، دقت و تعهد به اصول و آرمان‌های نظام است. تشبیه میدان دیپلماسی به میدان جنگ به این دلیل است که همانند جنگ، دیسپلین نظامی و رعایت تاکتیک‌ها در آن ضروری است و مصلحت شخصی جایگاهی ندارد. حرکت در این میدان باید بر اساس سیاست‌ها و اهداف مشخص و در یک مسیر معین باشد.

با وجود تغییرات لحظه‌ای در تاکتیک‌ها و روش‌های نظامی، حرکت بر اساس اهداف ثابت که از پیش تعیین شده‌اند، موجب پیروزی در این نبرد می‌شود. تجربه و ظرفیت‌های دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران نیز به دنبال یافتن راه‌ها و ابزارهای تاکتیکی نوین برای تحقق این اهداف است. شالوده و اساس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر رهبر معظم انقلاب شالوده و اساس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر استقرار ایده مخالفت با سلطه‌گری و روابط استعماری و مقابله با ابرقدرت‌ها و سلطه‌پذیری استوار است. این رویکرد، بازتابی از هویت و شخصیت جمهوری اسلامی است که یکجانبه‌گرایی و انحصارطلبی ابرقدرت‌ها را مردود می‌داند و همکاری نظام مبتنی بر سلطه‌گری را با آرمان‌های انقلاب اسلامی که برگرفته از آموزه‌های معنوی اسلام است، ناسازگار می‌داند.

وظیفه دستگاه سیاست خارجی، عمل بر اساس اصول، اهداف و مصالح ملی است که برگرفته از اصول انقلاب و توصیه‌های امام خمینی (ره) است. رهبر انقلاب این اصول را راه‌گشای مشکلات و راه علاج کفر و استکبار می‌داند و تأکید می‌کند که سیاست خارجی ایران باید بر اساس این اصول و اهداف عمیق و عظیم در عرصه دیپلماسی جهانی و منطقه‌ای دنبال شود.

در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، هیچ گونه رفتار ابرقدرت‌طلبانه پذیرفته نیست. کنار نیامدن با ظالم، مقاومت در برابر زورمداران، حمایت از مظلومان و پشتیبانی از اسلام از اصول محکم سیاست خارجی است که با وجود هجمه‌های دشمنان، قابل انحراف نیست.

رهبر انقلاب بر شناخت مولفه‌های قدرت در سیاست خارجی تأکید دارند و معتقدند باید این مولفه‌ها را شناخته و در مسائل جهانی مانند حقوق بشر، مسأله زن، سلاح‌های کشتار جمعی، انرژی هسته‌ای، حقوق اقلیت‌ها، مبارزه با سلطه، حق حاکمیت برابر دولت‌ها و مبارزه با اشغال و حضور نظامی، مواضع تهاجمی و قاطع اتخاذ کرد.

یکی دیگر از مولفه‌های مهم سیاست خارجی، عادی‌سازی روابط با همه کشورها به صورت عادلانه، دو سویه و فعال در ارتباطات دوجانبه، منطقه‌ای و مجامع بین‌المللی است که رهبر معظم انقلاب بر آن تأکید دارند. ایشان معتقدند باید در همه مجامع بین‌المللی به صورت جدی حضور داشت و از دست دادن فرصت‌ها و عدم حضور، به معنای از دست دادن مهم‌ترین فرصت‌هاست.

از دیدگاه ایشان، سیاست خارجی باید تلاش کند اهداف و انگیزه‌های ملت ایران را به جهانیان منتقل کند. ملت و دولت ایران به عنوان یک ملت دارای حق مشروع، می‌خواهد با فکر، نیرو، اراده، دین و ارزش‌های خود در راه سعادت قدم بردارد.

۳. اصول سه‌گانه سیاست خارجی: عزت، حکمت و مصلحت

عزت، حکمت و مصلحت سه اصل محوری و ثابت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هستند که بر مبنای آن‌ها شکل گرفته است. رهبر معظم انقلاب این سه اصل را مثلث الزام‌آور چارچوب ارتباطات بین‌المللی می‌داند که هیچ گونه خدشه‌ای نباید به آن وارد شود. این اصول مکمل یکدیگرند و هدف از آن‌ها تأمین مصالح ملی است. عزت ملی و هویتی باید در درجه اول حفظ شود، به گونه‌ای که در باورهای قلبی و در عمل و قراردادها نمود داشته باشد.

ایشان در پیام‌ها و بیانات متعدد، بر رعایت این سه اصل در سیاست خارجی تأکید می‌ورزند. برای نمونه: در پیام خود به مجمع تشخیص مصلحت نظام تأکید می‌کنند در امر سیاست خارجی، اصول اعلام شده جمهوری اسلامی و تأکید بر عناوین عزت، حکمت و مصلحت مورد توجه قرار می‌گیرد (ابلاغ

سیاست‌های کلی برنامه دوم توسعه، ۱۳۷۲)؛ همچنین به تعامل سازنده و موثر ایران با جهان را در سند چشم‌انداز بیست ساله کشور بر مبنای این سه اصول پیش بینی کرده‌اند.

۴. انواع استراتژی‌های سیاست خارجی

اصولاً دولت‌ها سیاست خارجی خود را بر مبنای یکی از سه چارچوب کلان تنظیم می‌کنند؛ حفظ وضع موجود، تغییر و دگرگونی بنیادین، یا اصلاح و بازبینی وضع موجود. انتخاب هر یک از این چارچوب‌ها بر اساس سه عامل اصلی صورت می‌گیرد: الف) میزان رضایت کشورها از ساختارهای فیزیکی، مادی و روندهای منطقه‌ای و بین‌المللی موجود و همچنین جایگاه و نقش کشور در این مجموعه؛ ب) برداشت و تصور کشور از قدرت و ظرفیت خود و رقیب؛ ج) تأثیر و پیامدهای این چارچوب‌ها بر دیدگاه‌های مرتبط با ارزش‌هایی چون امنیت، نظم، عدالت، آزادی و رفاه (واعظی، ۱۳۸۷). بر اساس این چارچوب‌های کلان، چهار استراتژی مشهور شکل گرفته است که عبارتند از: استراتژی انزواگرایی (Isolationism)، استراتژی عدم تعهد (Non-Alignment)، استراتژی بی‌طرفی (Neutralize) و استراتژی اتحاد و ائتلاف (Alliance & Coalition) در این فصل، هدف ما بررسی و تبیین این راهبردها بر اساس سه اصل مهم عزت، حکمت و مصلحت است و همچنین تحلیل نحوه ارتباط، همخوانی یا عدم ارتباط آن‌ها با یکدیگر می‌باشد.

۴-۱. راهبرد انزواگرایی

استراتژی انزواگرایی بر کاهش حداقلی مراودات دیپلماتیک، اقتصادی، فرهنگی و نظامی با سایر واحدهای سیاسی تأکید دارد. به عبارت دیگر، شاخص‌های سیاست انزوا عبارتند از: سطح پایین درگیری، تعداد کم مراودات دیپلماتیک و عدم تمایل به تعهد نظامی در خارج از مرزها. هدف اصلی این استراتژی، حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشور است. همچنین، این رویکرد بر آن است که بدون اتکا به دیگران، هرگونه تهدید داخلی و خارجی را دفع کرده و با بهره‌گیری از خودکفایی اقتصادی و اجتماعی، زندگی همراه با رفاه ملی را برای مردم فراهم آورد. استراتژی انزواطلبی تحت شرایطی اتخاذ می‌شود که کشور از نظر اقتصادی و اجتماعی غنی باشد، قدرت‌های جهانی متوازن و پراکنده باشند، موقعیت جغرافیایی دور از مناقشات بین‌المللی قرار داشته باشد و تهدید مستقیمی متوجه کشور نباشد. این شرایط در گذشته فراهم بود، اما با پیشرفت فناوری، گسترش ارتباطات و افزایش قدرت تسلیحات نظامی که قادر به هدف قرار دادن کشورها از راه دور است، و همچنین افزایش وابستگی متقابل بین کشورها، ادامه این استراتژی دشوار شده است. این رویکرد بر پایه حفظ وضع موجود و مخالفت با هرگونه تغییر در سیاست‌های موجود استوار است؛ بنابراین، دولت نمی‌تواند همزمان خواهان حفظ وضع موجود و تغییر آن باشد، زیرا در این صورت دچار تناقض و سردرگمی در سیاست خارجی می‌شود (قوام، ۱۳۷۲، ص ۱۷۲).

عموماً کشورهایی که به این استراتژی گرایش دارند، یا در دوران تثبیت استقلال یک کشور تازه تأسیس هستند، یا پس از انقلاب تغییرات بنیادینی در اصول سیاسی خود ایجاد کرده‌اند، و یا از نظر اقتصادی و اجتماعی خودکفا هستند. این کشورها نیازی به تغییر محیط خارجی به نفع خود برای حفظ سبک زندگی، ارزش‌های اجتماعی، ساختارهای سیاسی و الگوهای اقتصادی خود ندارند. نمونه بارز این استراتژی، انزواگرایی آمریکا در قرن نوزدهم بود که به دلیل خودکفایی اقتصادی و نبود تهدید مستقیم از اروپا اتخاذ شد. نمونه دیگر، ژاپن است که برای مدت طولانی سیاست انزواطلبانه را دنبال کرد تا سنت‌ها را حفظ کرده و از نفوذ سلطه فرهنگی جلوگیری کند. (همان، ص ۱۷۵)؛ این استراتژی معمولاً در قالب حفظ بلندمدت وضع موجود طراحی و اجرا می‌شود و پذیرش آن علاوه بر عوامل داخلی، به عوامل خارجی نیز بستگی دارد. کشورهایی که از نظر جغرافیایی و کارکردی دور از بحران‌ها و مناقشات بین‌المللی هستند، بیشتر قادر به اتخاذ این سیاست می‌باشند. در نهایت، استراتژی انزواگرایی به معنای کاهش حداقلی روابط دیپلماتیک، اقتصادی، فرهنگی و نظامی با دیگر کشورها است، نه قطع کامل ارتباط، و هدف آن حفظ تمامیت ارضی، استقلال و رفاه ملی بدون اتکا به دیگران است. استراتژی و راهبرد انزواگرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، با توجه به اصول قانون اساسی و رهنمودهای رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، قابل قبول نیست. نظام جمهوری اسلامی اعتقادی به انزواطلبی یا بی‌توجهی به محیط پیرامونی و حفظ وضع موجود ندارد، زیرا این رویکرد با اهداف کلان و مسئولیت‌های ملی و فراملی نظام اسلامی در قبال مسلمانان و محرومان ناسازگار است. اصل ۱۵۲ قانون اساسی تصریح می‌کند که سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال، تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق مسلمانان، عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز با دولت‌های غیرمحابر استوار است. این اصل نظام را به برقراری روابط صلح‌آمیز با جهان خارج در چارچوب احترام متقابل و حمایت از حقوق مسلمانان فرا می‌خواند، نه انزوا و انفعال؛ زیرا مصلحت نظام اسلامی

چنین ایجاب می‌کند. همچنین، اصل ۱۵۴ قانون اساسی، حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفان، به ویژه مسلمانان علیه مستکبران در هر نقطه جهان را به عنوان یک اصل مهم مطرح کرده است. تحقق این اصول نیازمند حضور فعال و قدرتمند در عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌المللی است که با استراتژی انزواگرایی و بی‌توجهی به محیط پیرامونی قابل تحقق نیست. ممکن است تصور شود که استراتژی (نه شرقی، نه غربی) که امام خمینی در آغاز انقلاب مطرح کردند، همان استراتژی انزواگرایی بوده و با اعلام آن، درهای کشور به روی شرق و غرب بسته شده است. اما خود امام بزرگوار تصریح کرده‌اند: «ما باید هم‌اکنون که فرستاده اسلام به این طرف و آن طرف می‌فرستد و رابطه درست می‌کند، عمل کنیم؛ نمی‌توانیم بنشینیم و بگوییم که با دولت‌ها کاری نداریم؟ این برخلاف عقل و شرع است؛ باید با همه رابطه داشته باشیم. هیچ عقل و هیچ زبانی آن را نمی‌پذیرد؛ چون معنایش شکست خوردن و مدیون شدن است»؛ ایشان ضمن تأکید بر تحکیم روابط با دیگر کشورها و بیان ضوابط برقراری ارتباط، اسلام را نظامی اجتماعی و حکومتی معرفی می‌کنند که خواهان داشتن روابط با همه جهان است. استراتژی انزوا را به شدت رد کرده و آن را غیر معقول می‌دانند. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۱۷۸) در جای دیگری نیز اشاره می‌کنند که: «ما می‌خواهیم با همه ملل جهان دوست باشیم، با همه دولت‌های جهان به حسب اولویت دوست باشیم، و روابط حسنه با احترام متقابل داشته باشیم، مگر آنکه دولت‌هایی باشند که برخلاف رفتار کنند و بخواهند به ما ظلم یا سلطه‌جویی تحمیل کنند» (همان، ج ۱۰، ص ۲۵۲). در دوران رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز این راهبرد حفظ و تقویت شده است. ایشان معتقد به دیپلماسی فعال و ارتباط با همه دولت‌ها، سیستم‌ها، عقاید و روش‌ها هستند، البته با رعایت سه اصل محوری: عزت، حکمت و مصلحت، و خطوط قرمز نظام: «دیپلماسی فعال، بله، ما معتقد به دیپلماسی فعال هستیم. وزارت خارجه باید در سطح جهان، به جز چند مورد استثنا، فعال باشد. البته بارها گفته‌ایم که عزت، حکمت و مصلحت باید رعایت شود. باید با همه دولت‌ها، سیستم‌ها، عقاید و روش‌های مختلف ارتباط داشته باشند؛ مانعی ندارد، لیکن منطقه ممنوعه‌ای وجود دارد که از آن نباید تجاوز کنند» (رهبر انقلاب، ۱۳۶۹/۰۲/۱۲). رابطه‌ای برابر و بدون تشنج که به عزت ملت ایران آسیبی نرساند و رابطه‌ای که به مصلحت و منافع مادی و معنوی کشور باشد، همواره مورد تأکید مقام معظم رهبری است. جمهوری اسلامی ثابت کرده که در روابط خود با کشورها، به روابطی برابر پایبند است که بر سه اصل عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی استوار باشد؛ همچنین نشان داده که منافع مادی و معنوی کشور، رعایت مصلحت و عزت ملت ایران و حفظ آرامش و امنیت در فضای سیاسی جهان، معیار اصلی اوست. به عبارت دیگر، هیچ محدودیتی در چارچوب اصول برای سیاست خارجی ما وجود ندارد (رهبر انقلاب، ۱۳۶۶/۰۲/۱۲). با وجود تبلیغات گسترده غرب درباره منزوی بودن جمهوری اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند که ما در دنیای اسلام منزوی نیستیم و نخواهیم شد (رهبر انقلاب، ۱۳۸۳/۱۲/۲۷)؛ از نظر ایشان، انزوا به معنای دیپلماتیک آن در جهان آن‌قدر مضر نیست که انزوا از ملتها باشد. در واقع، منزوی واقعی و مضر در جهان امروز آمریکا است، با وجود حضور سیاسی و نظامی گسترده در منطقه. زیرا ملتها که تعیین‌کننده و تصمیم‌گیرنده‌اند، از سیاست‌ها و حضور آمریکا ناراضی‌اند؛ اما جمهوری اسلامی چنین انزوایی در دنیای اسلام ندارد (همان، ۱۳۸۳). مشهود است که راهبرد انزوا در نظر و عمل رهبران و نظریه‌پردازان نظام جمهوری اسلامی، مردود بوده و دیپلماسی فعال جایگزین آن شده و روابط مستحکمی و دو سویه و برابر در سیاست خارجی را خواستارند.

اصول عزت، حکمت و مصلحت، پایه‌های استراتژی جمهوری اسلامی هستند. استراتژی انزواطلبی شامل کم‌کاری دیپلماتیک، عدم تعهد نظامی به دیگران، حفظ استقلال و تمامیت ارضی، دفع تهدیدها بدون کمک خارجی، پذیرش وضع موجود و مخالفت با تغییر سیاست‌هاست. این رویکرد با اصول عزت، حکمت و مصلحت سازگار نیست.

• اصل عزت و انزواگرایی

یکی از اصول مهم سیاست خارجی، نفی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری است. جمهوری اسلامی باید روابطی بدون سلطه داشته باشد تا عزت و احترام کشور حفظ شود. آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرمایند: «معنای عزت این است که نظام اسلامی نباید در برخوردهای بین‌المللی باعث ذلت اسلام و مسلمانان شود» (فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۰). همچنین تأکید بر عدالت‌طلبی، نفی سلطه و حمایت از مستضعفان و جنبش‌های آزادی‌بخش است. جمهوری اسلامی همزمان با مبارزه با استکبار، خود را موظف به حمایت از مستضعفان جنبش‌های آزادی‌بخش که با مستکبران و استعمارگران مبارزه می‌کنند، بر ضرورت حضور فعال در صحنه‌ها و رخدادهای مهم بین‌المللی برای دفاع از اسلام و مسلمین تأکید دارند. این اصول برگرفته از اندیشه‌های ناب دین اسلام، انفعال، کناره‌گیری و انزواگرایی را مردود دانسته و خواستار تعامل، ارتباط، مصالحه و حتی مقاومت عزتمندانه هستند. مقام معظم رهبری خوداتکایی به معنای انزواطلبی را رد کرده و ارتباط عزتمندی را توصیه می‌کنند که هیچ‌گونه اهانتی به ملت وارد نسازد. ایشان می‌فرمایند: «ما بر اساس عزت اسلامی، توحیدی

و ملت خود حرکت می‌کنیم. ملت ما نباید در روابط بین‌المللی خوار شود و هیچ‌کس حق ندارد به ملت ایران اهانت کند. اگر کسی اهانت‌پذیر است، برای خود است، اما برای ملت ایران چنین نیست ملت ایران ملتی بزرگ، زنده و سربلند است و ذلت‌پذیر نیست.» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۰ و ۱۳۱). بنابراین، ارتباط فعال، دوطرفه و مبتنی بر تفاهم و عقلانیت مورد پذیرش نظام جمهوری اسلامی است، مشروط بر اینکه هیچ تحقیر یا نابرابری در مراودات نباشد و خدش‌های به عزت ملت و دولت وارد نگردد.

رهبر فرزانه انقلاب معتقدند که پذیرش رابطه استکباری با آمریکا به معنای ذلت و مرگ ملت است، زیرا سیاست‌های جاه‌طلبانه آمریکا بر دشمنی با ملت ایران و بی‌احترامی متکی است. ایشان به رابطه ذلت‌بار با آمریکا اشاره کرده و می‌فرمایند: «هیچ‌کس حق ندارد مرگ یا ذلت این ملت را بپذیرد؛ نه من، نه مسئولان دیگر و نه وزارت امور خارجه» (رهبر انقلاب، ۱۳۸۱/۰۵/۲۷).

• اصل حکمت و انزواگرایی

حکیم کسی است که کار را صرفاً به خاطر مصلحت انجام می‌دهد و هر اقدامی را به دلیل داشتن مصلحت، بر ترک آن ترجیح می‌دهد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین اصل حکمت در سیاست خارجی، حکمت را به معنای کارکردن سنجیده و عاقلانه تعریف می‌کنند و معتقدند: «حکمت یعنی نظام اسلامی با تدبیر و دوراندیشی عمل کند و نه بر اساس احساسات و بی‌توجهی به منافع و شرایط لازم و فرصت‌هایی که باید از رابطه با دنیا به دست آورد. دیدگاه باید کاملاً حکیمانه و دقیق باشد. ممکن است ما اکنون با دشمنی روبرو باشیم که در نهایت هم برخورد خواهیم داشت، اما الان باید با او طرح دوستی بریزیم؛ این است حکمت» (رهبر انقلاب، ۱۳۶۸/۱۱/۰۹). بر اساس فرمایش ایشان، سیاست انزوا با حکمت و منطق نظام اسلامی سازگار نیست. زیرا اهداف، راهبردها و اصول نظام جمهوری اسلامی برگرفته از آیات قرآن کریم و سیره حکومت پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) است که با رویکرد انزواگرایی مخالف است. حکمت در سیاست خارجی به معنای اتخاذ تصمیمات سنجیده و مدبرانه است، مانند برقراری ارتباط یا فاصله گرفتن و منزوی کردن ملت از تحولات جهانی. این تصمیمات باید با در نظر گرفتن همه شرایط و جوانب، و بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام گرفته شود و نخست به مراد و مصالحه (والصلح الخیر) (نساء: ۱۲۸) تأکید می‌کند تا مصلحت امت حفظ شود. اسلام بر ارتباط عادلانه تأکید دارد و در عین حال توصیه می‌کند که از قدرت‌های بزرگ که قصد نفوذ، دخالت و براندازی نظام اسلامی را دارند، دوری گزیده شود. در این راستا، مقام معظم رهبری سیاست حکیمانه پیامبر اکرم (ص) در قبال یهودیان اطراف مدینه و مشرکان قریش را یادآور شده و تأکید می‌کنند که در روابط بین‌المللی باید اصل حکمت را مدنظر داشت.

• اصل مصلحت و انزواگرایی

مهم‌ترین ویژگی استراتژی انزواگرایی حفظ وضع موجود است. اما با توجه به ماهیت استکباری نظام بین‌الملل، عوامل کفر و نفاق در میان مسلمانان و تأکید اسلام بر دفاع از مسلمانان و تلاش برای رهایی از سلطه کافران، اتخاذ سیاست انزواطلبی به مصلحت نظام اسلامی نیست. در شرایط کنونی جهان که به «قانون جنگل» معروف است، بی‌تفاوتی و کناره‌گیری جایز نیست. پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: هر کس ندای مسلمانی را بشنود و پاسخ ندهد مسلمان نیست. بنابراین انزواطلبی با سیاست راهبردی مصلحت‌گرایی همخوانی ندارد. برای کشوری چون جمهوری اسلامی ایران، کشیدن حصار و ایجاد موانع پیرامون کشور نه تنها منطقی نیست بلکه مخالف منافع ملی است.

فقط مصالح و منافع ملی ایجاب می‌کند که نظام نسبت به مسائل بین‌المللی بی‌تفاوت نباشد و نسبت به روند حوادث خارجی حساس باشد. در سیاست خارجی، ملاک اصلی تصمیم‌گیری، مصلحت اسلام و مسلمانان است. منافع جهان اسلام در تغییر وضعیت ناعادلانه جهانی و پرهیز از کناره‌گیری از ارتباط با قدرت‌های بزرگ است، زیرا این قدرت‌ها به هر بهانه‌ای برای نفوذ و ضربه زدن به نظام کوتاهی نمی‌کنند.

جمهوری اسلامی ایران با همه ملت‌ها و دولت‌های جهان بر اساس همکاری و تفاهم تعامل دارد، البته نه با زورگویان و کسانی که می‌خواهند همه مسائل را بر پایه قدرت خود تحمیل کنند. دولت اسلامی به عنوان بخشی از جامعه جهانی برای ادامه حیات و تحقق اهداف بلندمدت خود باید با دیگر کشورها ارتباط و حضور فعال داشته باشد. بنابراین، دولت اسلامی نمی‌تواند به طور کامل کنار بکشد یا منزوی شود. اما در شرایط خاص و به اقتضای مصلحت، این

استراتژی ممکن است به کار گرفته شود. به عبارت دیگر، انزوا و کناره‌گیری از قدرت‌های استکباری مصداق عمل به مصلحت است. قرآن کریم نیز مسلمانان را از نزدیکی و دوستی با کافران برحذر داشته است. رهبر فرزانه انقلاب معتقدند اگر مصلحت ایجاب کند، اتخاذ چنین استراتژی دور از انتظار نیست. ایشان می‌فرمایند: «ملت ایران تمام سرمایه‌های مادی، انسانی و معنوی لازم برای پیشرفت را دارد و اگر همه درهای کشور به روی دنیا بسته شود، از پا نخواهد افتاد. این ملت به خودکفایی نسبی در بسیاری از زمینه‌ها رسیده است. اگر روزی مصلحت ایجاب کند که همه درها بسته شود، این روز افتخار است، زیرا ما همیشه وقتی احساس کنیم باید به خودمان تکیه کنیم، این کار را انجام داده‌ایم. امروز ایران حتی سلاح‌های پیشرفته را تولید می‌کند و این به برکت همین قطع رابطه‌ها و اتکا به نیروهای داخلی است» (رهبر انقلاب، ۱۳۷۶/۰۱/۲۷)، ایشان در مورد رابطه با قدرت‌های بزرگ مانند انگلیس و آلمان، با تأکید بر سه اصل عزت، حکمت و مصلحت، توصیه می‌کنند که دولت بدون عجله و احساس نیاز، با رعایت این اصول عمل کند. مقام معظم رهبری تأکید دارند که سیاست خارجی جمهوری اسلامی باید همراه با عزتی متناسب با ملت ایران باشد و به دنبال حضور فعال در عرصه بین‌المللی باشد. استراتژی انزوای طلبی مناسب سیاست خارجی کشور و تأمین منافع ملی نیست. ایشان حمایت از توسعه و گسترش روابط با سایر کشورها را تأکید کرده و حتی در دوران جنگ، سیاست درهای باز را اعلام کردند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸).

۴-۲. استراتژی عدم تعهد

سیاست عدم تعهد به معنای نفی وابستگی و امتیازدهی به قدرت‌های جهانی و پرهیز از ائتلاف‌های نظامی است. این سیاست در نیمه دوم قرن بیستم به عنوان رویکردی جدید در سیاست خارجی برخی کشورها شکل گرفت و به جنبش عدم تعهد معروف شد. این جنبش که در اوج جنگ سرد شکل گرفت، هدفش دوری از بلوک‌بندی‌های شرق و غرب و حفظ استقلال سیاسی، نظامی و اقتصادی بود. ویژگی‌های سیاست (عدم تعهد) شامل احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها، کاهش تنش‌ها و تضادهای ناشی از تقسیم جهان به دو بلوک شرق و غرب است. راهبرد عدم تعهد باید با تحولات داخلی و بین‌المللی هماهنگ و بازتعریف شود. این راهبرد بیشتر ابزاری فعال برای افزایش نقش در نظام بین‌الملل است و به معنای قطع رابطه با قدرت‌های جهانی نیست. رهبران اولیه جنبش عدم تعهد شامل جواهر لعل نهرو (هند)، سوکارنو (اندونزی)، جمال عبدالناصر (مصر) و مارشال تیتو (یوگسلاوی) بودند. در سیاست خارجی ایران، این راهبرد به عنوان موازنه منفی شناخته شده و در جنبش عدم تعهد تثبیت شده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۰). اصطلاحات «بی‌طرفی» و «عدم تعهد» گاه به جای هم به کار می‌روند، زیرا هدف هر دو جلوگیری از تجهیز نظامی و حمایت دیپلماتیک به نفع یا ضرر دیگر کشورها و اجتناب از پیوستن به اتحادیه‌های نظامی است.

از نظر تاریخی و فرهنگی، اتخاذ راهبرد عدم تعهد در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ریشه در مقابله با مداخلات استعمارگران و حکومت‌های وابسته دارد که استقلال‌خواهی ایرانیان را در قرون نوزدهم و بیستم به آرمانی مشترک تبدیل کرد. این روحیه در نهضت ملی شدن صنعت نفت نیز مشهود است، الهام‌بخش حرکت‌های مشابه در مناطق دیگر شد، اما ناکامی آن باعث شد استثمار و استعمار مجدداً ادامه یابد؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جهت‌گیری کلی سیاست خارجی ایران که بر اساس ماهیت، اصول، منافع و تصور خود از نظام بین‌الملل بود، از اتحاد با غرب به راهبرد عدم تعهد مبتنی بر اصل «نه شرقی، نه غربی» تغییر یافت. این راهبرد در برخی جنبه‌ها با سیاست عدم تعهد سایر اعضای جنبش تفاوت داشت. به همین دلیل، امام خمینی آن را «عدم تعهد واقعی» نامید و از عدم تعهد مرسوم انتقاد کرد. مقام معظم رهبری نیز با تأکید بر اینکه سیاست «نه شرقی، نه غربی» خط امام در سیاست خارجی است، می‌افزاید این سیاست حمایت از ملت‌ها و مقابله با ابرقدرت‌ها را در بر دارد. ایشان می‌افزاید «خط امام در سیاست خارجی عبارت است از طرفداری ملت‌ها و مقابله با ابرقدرت‌ها، خط امام در سیاست خارجی نه شرقی نه غربی است» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۱۲۲، ۱۲۴)؛ نکته ای که اینجا قابل بازگویی است، مفهوم «نه شرقی، نه غربی» فراتر از یک بلوک سیاسی است و با فروپاشی شوروی معنای خود را از دست نمی‌دهد؛ زیرا علاوه بر ابعاد سیاسی و بین‌المللی، دارای جنبه‌های فقهی و ایدئولوژیک نیز هست (ستوده، ۱۳۹۳، ص ۳۲)؛ استراتژی «نه شرقی، نه غربی» یک مفهوم کلان است که همواره قابلیت انطباق با سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی را دارد و در عین حال استقلال کشور را حفظ می‌کند.

قانون اساسی، مهمترین منبع برای فهم جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ضروری است، علاوه بر اصل ۱۵۲ که عدم تعهد را تعیین می‌کند، اصول دیگری نیز با این راهبرد هماهنگ است؛ که در قانون اساسی بیان شده است. برای نمونه: «نفی هرگونه ستمگری و ستم‌پذیری، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری» (اصل ۲)؛ تنظیم سیاست خارجی منطبق بر معیارهای اسلام، و تعهد برادرانه نسبت به مسلمانان و جلوگیری از نفوذ اجانب (اصل ۳)؛ دفاع از حقوق

مسلمانان جهان (اصل ۱۵۲)، روابط صلح آمیز با دول غیرمحراب، نفی و اجتناب از پیمانهایی که موجب سلطه بیگانگان در ابعاد مختلف شود (اصل ۱۵۳) و حمایت از مبارزات حق طلبانه مستضعفان در هر نقطه از جهان (اصل ۱۵۴)».

• استراتژی عدم تعهد و اصول عزت، حکمت و مصلحت

در این چارچوب، عزت و عدم تعهد دو اصل اساسی هستند که عزت‌مندی ناشی از پایبندی به خداوند، قرآن کریم، دین اسلام و اهل بیت است. قرآن می‌فرماید: «من كان يريد العزة فلله العزة جميعاً» (فاطر: ۱۰)؛ یعنی هر که خواهان عزت باشد، عزت برای اوست (حاتمی راد، ۱۳۸۵، ص ۳۰).

ایت الله العظمی خامنه‌ای که خود یک اندیشمند، عالم وارسته و اسلام‌شناس محسوب می‌شوند، با استناد به آیات قرآن کریم و روایات ائمه هدی بر حفظ عزت اسلام و مسلمانان در چارچوب ارتباطات بین‌المللی تأکید می‌ورزند و می‌فرمایند: «الإسلام يعلو ولا يُعلى عليه»، «لا يجعل لله للكافرين على المؤمنين سبيلاً» (نساء: ۱۴۱) (رهبر انقلاب، ۱۳۷۰/۰۴/۱۸).

ایشان همچنین عزت در سیاست خارجی را توضیح دادند و تأکید کردند که ما در سیاست خارجی خود باید بر اساس عزت عمل کنیم؛ یعنی در برابر دشمنان کافر ذلیل نباشیم، حتی اگر این امر به قیمت از دست دادن جان‌مان تمام شود. با بررسی شاخصه‌ها و ویژگی‌های راهبرد عدم تعهد، درمی‌یابیم که این سیاست با مبانی عزت‌مندی و عزت‌خواهی همخوانی دارد؛ زیرا عدم تعهد واقعی و «نه شرقی، نه غربی» به معنای عدم وابستگی سیاسی و اتخاذ مواضع مستقل است. آنچه اصل مصلحت آن را تأیید می‌کند، راهبرد عدم تعهد واقعی که جمهوری اسلامی ایران نباید به هیچ یک از قطب‌های قدرت وابسته باشد؛ زیرا وابستگی به معنای از دست دادن خواسته‌ها و اهداف انقلاب است. بنابراین، حفظ انقلاب اسلامی مستلزم پیروی از راهبرد عدم تعهد است؛ به عبارت دیگر، «نه به شرق و نه به غرب» اساس انقلاب است.

این اصل از مبانی و اصول ماست و هیچ تردیدی در آن نیست و قابل تغییر هم نمی‌باشد. این موضوع صرفاً یک سیاست نیست، بلکه پایه و اساس نظام است و با برقراری ارتباط منافاتی ندارد. بنا بر این حکمت و عدم تعهد واقعی به معنای عمل بر پایه محاسبات عقلانی، استوار ساختن بنیان‌های مستحکم و بهره‌گیری از فرصت‌ها در عرصه‌های مناسب است، همراه با پرهیز از هرگونه ناآگاهی، جهل، تعصب و اتحادهای غیرمنطقی. این اتحادها باید مبتنی بر بررسی دقیق، منطقی و خردورزی باشند. رعایت اصل «نه شرقی، نه غربی» هیچ تعارضی با اصل حکمت ندارد، بلکه در راستای تقویت ارتباطات، رعایت آن ضروری است.

۴-۳. استراتژی بی طرفی

استراتژی بی‌طرفی همزاد جنگ و تقابل میان قدرت‌ها است؛ یعنی زمانی که روابط جنگی میان کشورها وجود دارد، بی‌طرفی مطرح می‌شود. بر اساس اصل بی‌طرفی، دولت‌های بی‌طرف مانند سوئیس یا سوئد از اتخاذ هرگونه موضع سیاسی بین‌المللی خودداری می‌کنند و حتی از حضور در مجامع بین‌المللی مانند سازمان ملل که نیازمند موضع‌گیری است، پرهیز دارند. دولت بی‌طرف دولتی است که استقلال سیاسی و تمامیت ارضی آن بر اساس توافقی تضمین شده است (محمدی، ۱۳۷۷، ص ۴۷).

دولت بی‌طرف، دولتی است که استقلال سیاسی و تمامیت ارضی آن با توافق جمعی قدرت‌های بزرگ تضمین شده باشد و تنها در حالت دفاعی از نیروی نظامی خود استفاده کند. چنین دولتی نباید به اتحادیه‌های نظامی بپیوندد یا پایگاه نظامی در اختیار دیگران قرار دهد. بی‌طرفی به عنوان راهبردی در سیاست خارجی، ثبات و امنیت بین‌المللی را حفظ کرده و از تهدید وضعیت موجود جلوگیری می‌کند. این سیاست امکان دفاع از امنیت نظامی و تمامیت ارضی کشور را فراهم می‌آورد. انواع بی‌طرفی شامل بی‌طرفی حقوقی، نظامی، موقت، ناپایدار، فعال (مثبت) و منفی (انفعالی) است (قوام، ۱۳۷۲، ص ۱۵۸، ۱۶۰).

راهبرد بی‌طرفی به طور کامل با اصول عزت، حکمت و مصلحت که در سیاست خارجی که از سوی رهبر معظم انقلاب مطرح شده، همخوانی دارد. البته بی‌طرفی انواع مختلفی دارد که مهم‌ترین آن‌ها بی‌طرفی مثبت و منفی است. عدم تمایل به اتخاذ هرگونه موضع سیاسی و بین‌المللی، اجتناب از ورود به مجامع بین‌المللی و بی‌طرفی صرف در حفظ وضع موجود، از ویژگی‌های بی‌طرفی منفی است که با اصول عزت، حکمت و مصلحت تعارض دارد. دولتی که

بی‌طرفی منفی را انتخاب می‌کند، نقش انفعالی در سیاست بین‌الملل ایفا می‌کند، در حالی که بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چنین رویکردی را نمی‌پذیرد.

• عزت و بی‌طرفی منفی

جمهوری اسلامی ایران حفظ حاکمیت و عزت اسلام و مسلمانان را در سطح ملی و بین‌المللی هدف قرار داده است. قرآن کریم حفظ عزت مسلمانان را وظیفه دولت اسلامی می‌داند و نظام حکومتی نیز دفاع فعال از این آرمان‌ها را در قانون اساسی تأکید کرده است. بی‌طرفی به معنای بی‌تفاوتی برای این نظام پذیرفتنی نیست. ایران باید در عرصه‌های منطقه‌ای و جهانی فعال باشد و از حقوق مسلمانان دفاع کند. «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه»، «لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً» (نساء: ۱۴۱)؛ بنابراین مولفه‌های عزت در بیانات آیت الله العظمی خامنه ای که بر اساس ایمان توحیدی، محبت به خدا و خدمت به بندگان است و نیز هرگونه استکبار و تکبر در روابط بین‌الملل توسط ایران رد می‌شود، این اصول با بی‌تفاوتی و بی‌طرفی انفعالی ناسازگار است.

• مصلحت و بی‌طرفی منفی

به تعبیر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در یکی از سخنانشان، مصلحت به معنای مصلحت انقلاب و مصلحت همه‌جانبه است. مصلحت انقلاب و اسلام، تغییر وضع موجود ظلم و ستم است. حفظ وضع موجود یعنی پذیرش ظلم که با عزت و حکمت سازگار نیست. اسلام بر تغییر وضعیت ظلم‌آلود تأکید دارد و بی‌طرفی به معنای رضایت به ظلم است. عدالت‌خواهی از وظایف اصلی نظام اسلامی است و جمهوری اسلامی خواهان برابری و حمایت از مستضعفان است. قانون اساسی صراحتاً بر امت واحد تأکید دارد و مصلحت، در انفعال و کناره‌گیری نیست، بلکه در همکاری و تلاش برای احقاق حقوق مسلمانان است، و این همان احترام کامل به استقلال و حاکمیت امور داخلی سایر ملت‌ها و حمایت از مبارزات حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان است.

• بی‌طرفی مثبت (فعال)

بی‌طرفی مثبت، سیاستی است که دولت‌ها برای اجتناب از ورود به جنگ و اتحادیه‌های نظامی اتخاذ می‌کنند، در حالی که تلاش می‌کنند از گسترش درگیری‌ها و ورود دیگر کشورها به صحنه‌های بحران جلوگیری کنند (شمیم معرفت، ۱۳۸۰). ویژگی‌های بی‌طرفی مثبت عبارتند از: عدم مداخله در امور داخلی کشورها، دفاع از تمامیت ارضی و سیاسی، پرهیز از جنگ و ایجاد تنش، حفظ نیروها و جلوگیری از هدررفت امکانات لجستیکی، مشارکت فعال در مدیریت بحران‌ها به منظور تأثیرگذاری در جهت منافع ملی و تلاش برای کاهش تنش و جلوگیری از تشدید بحران‌ها است.

• اصول سه‌گانه و بی‌طرفی فعال

بی‌طرفی فعال، استراتژی‌ای است که با توجه به مصلحت و شرایط زمان و مکان پذیرفته می‌شود و با اصول سه‌گانه عزت، حکمت و مصلحت سازگار است. این نوع بی‌طرفی، گاهی به منظور حفظ عزت، استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت کشور، بر اساس منطق مستدل اتخاذ می‌شود. بی‌طرفی فعال به معنای پرهیز از درگیری نظامی مستقیم، حفظ امنیت و مشارکت مؤثر در مدیریت بحران‌ها و مسائل بین‌المللی است تا بتواند نقش مؤثری در حفظ منافع ملی ایفا کند. این رویکرد، ضمن اجتناب از تنش‌زایی، به دنبال کاهش بحران‌ها و تقویت جایگاه کشور در عرصه جهانی است. در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بی‌طرفی فعال با رعایت اصول عزت، حکمت و مصلحت، به عنوان راهبردی منطقی و کارآمد پذیرفته شده و در مواجهه با تهدیدات و تحولات منطقه‌ای و جهانی، نقش مؤثری ایفا می‌کند. مطالعه تاریخ قبل از انقلاب گویای این است که در زمان حکومت رضاخان، او بدون توجه به شرایط زمان و مکان، بی‌طرفی را کنار گذاشت و به دلیل مصلحت‌های شخصی و رویکرد دیکتاتوری، این سیاست را رها کرد. این اقدام باعث تضعیف حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال ایران و تهدید جدی کشور شد. اما پس از انقلاب اسلامی، ایران در برخی موارد از راهبرد بی‌طرفی فعال استفاده کرده است؛ مانند بی‌طرفی در برابر اشغال کویت توسط عراق در سال ۱۹۹۰، اشغال افغانستان توسط آمریکا و متحدانش در سال ۲۰۰۱، و حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳. این مواضع نشان‌دهنده حفظ استقلال و منافع ملی در سیاست خارجی ایران است (ستوده، ۱۳۹۳، ص ۳۲، ۳۴).

راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جنگ خلیج فارس (۱۹۹۰-۱۹۹۱)، سیاست بی‌طرفی فعال، که آن را بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت اتخاذ کرد. ایران از ورود به جنگ و اتحاد با طرفین خودداری کرد و با این رویکرد، موقعیت بین‌المللی و روابط منطقه‌ای خود را تقویت نمود و مشکلات سیاسی مانند محدودیت سفر زائران ایرانی به عربستان را کاهش داد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ص ۴۹۳). رهبر انقلاب تجاوز دو طرف را محکوم و تأکید کرد امنیت منطقه باید توسط کشورهای منطقه تأمین شود و حضور آمریکا تهدیدی است. این سیاست هوشمندانه باعث حفظ جایگاه ایران و ارتقای روابط با همسایگان و اروپا شد (طلوعی، ۱۳۷۰، ص ۲۴۶). که جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصول سه گانه عزت، حکمت و مصلحت، با اتخاذ راهبرد بی‌طرفی فعال، ثمرات دیگری را در پی داشت.

۴_۴. استراتژی اتحاد و ائتلاف

استراتژی اتحاد و ائتلاف، راهبردی است که در آن واحدهای سیاسی با هدف افزایش نفوذ دیپلماتیک، ایجاد بازدارندگی، حفظ امنیت و تحقق اهداف ملی، توانایی‌های خود به ویژه اقتصادی و نظامی را ترکیب می‌کنند. در این استراتژی، دولت‌ها با تشکیل اتحاد یا ائتلاف، تعهداتی متقابل می‌پذیرند. برخلاف استراتژی عدم تعهد که از قبول تعهدات اجتناب می‌کند، این راهبرد زمانی انتخاب می‌شود که کشوری به تنهایی قادر به تحقق اهداف ملی یا مقابله با تهدید مشترک نیست (همان، ۱۸۱)؛ ائتلاف، توافق همکاری میان کشورهاست که هر عضو استقلال خود را حفظ می‌کند و برای مقابله با تهدیدات و دستیابی به اهداف مشترک عمل می‌کند و موفقیت این استراتژی نیازمند هماهنگی داخلی و شناخت نظام بین‌الملل است؛ امروزه هیچ کشوری به تنهایی قادر به تأمین اهداف سیاست خارجی خود نیست. وابستگی متقابل، ارتباطات پیچیده و نیازهای متنوع، کشورها را به تشکیل اتحادیه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای واداشته است تا منافع خود را به حداکثر برسانند. این روند پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد شدت گرفت و زمینه‌ساز شکل‌گیری منطقه‌گرایی جدید شد. کشورهای مختلف از طریق فرآیندهای منطقه‌ای و ائتلاف‌ها، تصمیمات مشترک برای مقابله با چالش‌های جهانی اتخاذ می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران نیز مانند دیگر کشورها نیازمند ارتباطات همه‌جانبه با نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی برای تحقق منافع و اهداف خود است (ستوده، ۱۳۹۳، ص ۳۵)؛ اصل اتحاد و پیوستن به ائتلاف‌ها در آموزه‌های اسلامی که بر (صلح) (حجرات: ۹ و ۱۰) و عدالت تأکید دارد، البته تنها ائتلاف‌هایی که با ارزش‌های اسلامی همخوانی داشته باشند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: در اسلام دعوت به اتحاد، همکاری، تراحم و تعاون است؛ این اساس تفکر اسلامی در همه عرصه‌هاست، نگاه تعارض آمیز غلط است و رویکرد تعاون و تعامل مورد تأیید اسلام است.

• اتحاد با ابرقدرتها

در بررسی همخوانی این راهبرد با اصول عزت، حکمت و مصلحت، باید به این نکته توجه داشت که، در میان انواع اتحادها و ائتلاف‌ها تفاوت وجود دارد؛ برخی اتحادیه‌ها صرفاً برای تأمین منافع غرب و ابرقدرت‌ها شکل گرفته‌اند و اعضا تابع خواسته‌ها و اهداف آنان هستند. چنین اتحادیه‌هایی مورد تأیید نظام اسلامی نیستند، زیرا طبق آیه «نفی سیل»، هر عملی که موجب تسلط بیگانه بر مسلمان شود باید اجتناب شود. پیوستن به ائتلاف با قدرت‌های بزرگ، همکاری با ظالمان و مستکبران و تحت نفوذ آنان بودن است (سریع‌القول، ۱۳۸۲، ص ۱۵۲). امام خمینی (ره) تأکید دارند که حفظ نظام از اوجب واجبات است، در حالی که اتحاد با قدرت‌های جهانی می‌تواند حاکمیت ملی ایران را به خطر اندازد. همچنین انزوا و قطع رابطه کامل با قدرت‌ها نیز به مصلحت نیست. کشورهای جهان سوم به دلیل ضعف اقتصادی، سیاسی و نظامی توان رقابت با قدرت‌های بزرگ را ندارند و این روابط معمولاً حالت کدخدانیشینی به خود می‌گیرد که به جای پیشرفت، موجب ضعف و وابستگی شدید می‌شود. اسلام سفارش می‌کند که مسلمانان اختلافات را با صلح و عدالت حل کنند و اجازه ندهند ائتلاف‌ها به زور و ظلم علیه دیگران دست بزنند. ایران تجربه عضویت در ناتو را داشت که سودی نداشت و در اقدامات خصمانه آن شریک بود. از نظر اسلام، مسلمانان نباید با کفار رابطه‌ای برقرار کنند که عزت اسلامی را تهدید کند یا اسرار خود را فاش کنند، زیرا این امر زمینه تسلط دشمنان را فراهم می‌کند. قرآن می‌گوید: مؤمنان نباید اسرار خود را به کفار بگویند چون دشمنی آنان آشکار است.

۱. اتحاد ایران و روسیه

راهبردها با توجه به زمان و مکان تغییر می‌کنند و کشورها روش‌های متفاوتی انتخاب می‌کنند. اتحاد ایران و روسیه با وجود اختلافات ایدئولوژیک، به دلیل عوامل تاریخی و شرایط فعلی، همکاری‌های خود را گسترش داده‌اند. دلایل اصلی همکاری دو کشور عبارتند از: الف) منافع اقتصادی و تجارت، ب)

شرایط روابط ایران با روسیه در غرب، ج) گسترش ناتو به شرق، د) نگرانی مشترک از حضور آمریکا در منطقه و مداخلات آن، ه) همکاری در زمینه تسلیحات، نظامی و هسته‌ای، و) منافع مشترک در آسیای مرکزی، قفقاز و خزر، ز) وجود منابع طبیعی عظیم مانند نفت و گاز، و توان نظامی و انسانی، و همچنین نقش دو کشور در حفظ صلح، امنیت و ثبات منطقه‌ای با جلوگیری از نفوذ گروه‌های تروریستی. بر اساس حکمت، مصلحت و شرایط فعلی، تأیید اتحاد و ائتلاف با روسیه و گسترش همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی ضروری است. تغییر نگرش روسیه از استکباری به احترام متقابل و ارتباط دوسویه، از عوامل مثبت این اتحاد است. رهبر انقلاب این نگاه راهبردی را تأیید کرده، اتحاد با روسیه در شرایط کنونی بر اساس حکمت و مصلحت ضروری است، اما باید به اصل عزت ملت ایران نیز توجه شود. این اتحاد نباید به گونه‌ای باشد که عزت کشور خدشه‌دار شود یا منجر به سلطه‌پذیری در روابط شود. اگر حجم مبادلات تجاری و نظامی بیش از توان داخلی باشد، تضاد بین اصول عزت، حکمت و مصلحت ایجاد می‌شود. بر اساس اصل عدالت، روابط باید دوطرفه، عادلانه و برابر باشد.

۲. سیاست «نگاه به شرق» و دیپلماسی ایران با چین و روسیه

در پی تحولات جهانی در سال‌های اخیر، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به طور فزاینده‌ای بر توسعه روابط راهبردی با کشورهای چین و روسیه متمرکز شده است. این رویکرد که تحت عنوان «نگاه به شرق» شناخته می‌شود، با هدف کاهش وابستگی به کشورهای غربی و بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی کشورهای آسیایی تدوین شده است. این سیاست که بیش از یک دهه است در دستور کار قرار دارد، با توجه به تحولات ژئوپلیتیکی و فشارهای بین‌المللی، به ویژه تحریم‌ها و تنش‌های موجود با غرب، اهمیت و اولویت بیشتری یافته است. روابط ایران با چین و روسیه در چارچوب این سیاست، فراتر از همکاری‌های دوجانبه، به سمت توسعه همکاری‌های چندجانبه و منطقه‌ای نیز پیش رفته است. عضویت در سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا نمونه‌هایی از این تلاش‌ها به شمار می‌روند. چین، به عنوان یک قدرت اقتصادی در حال رشد جهانی، و روسیه، به عنوان بازیگری مهم در حوزه امنیت و سیاست منطقه‌ای، نقش کلیدی در تأمین منافع استراتژیک ایران ایفا می‌کنند. ایران ضمن تأکید بر این همکاری‌ها، به دنبال تضمین امنیت انرژی، توسعه اقتصادی و مقابله با فشارهای بین‌المللی است.

با این وجود، این رویکرد با چالش‌هایی نیز مواجه است. برخی انتقادات به محدودیت‌های اقتصادی و سیاسی این سیاست وارد شده و نگرانی‌هایی درباره وابستگی بیش از حد به چین و روسیه مطرح شده است. برخی تحلیل‌گران بر این باورند که این دو کشور در شرایط حساس، حمایت کافی از ایران نداشته‌اند و ایران باید ضمن حفظ روابط با آن‌ها، به سمت کاهش تنش‌ها و تعامل سازنده با کشورهای غربی نیز حرکت کند تا منافع ملی به طور جامع تأمین شود. از سوی دیگر، تحولات جهانی و منطقه‌ای موجب شده است که توجه به کشورهای آسیایی به ویژه در قالب سیاست نگاه به شرق افزایش یابد. این سیاست، به عنوان یک راهبرد کلان در سیاست خارجی ایران، بر پرهیز از تک‌قطبی‌گرایی و تلاش برای ایجاد تعادل در روابط بین‌الملل تأکید دارد. بر اساس این رویکرد، ضمن حفظ ارتباطات با غرب، اولویت بیشتری به توسعه همکاری‌ها با کشورهای آسیایی نظیر چین، هند، روسیه و دیگر قدرت‌های نوظهور داده می‌شود.

سیاست نگاه به شرق محدود به روابط دوجانبه نیست، بلکه هدف آن تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و چندجانبه بر اساس منافع اقتصادی و ژئوپلیتیکی مشترک است. این رویکرد به معنای نفی غرب نیست، بلکه تلاش برای بهره‌گیری همزمان از ظرفیت‌های شرق و غرب و اولویت دادن به شرق به دلایل ژئوپلیتیکی، فرهنگی و اقتصادی است. از منظر علمی، سیاست نگاه به شرق پاسخی به تغییرات ساختاری در نظام بین‌الملل است که در آن قدرت‌های آسیایی، به ویژه چین و هند، با رشد اقتصادی سریع و افزایش نفوذ سیاسی، نقش تعیین‌کننده‌ای یافته‌اند. این تحولات موجب شده‌اند که ایران برای تضمین امنیت انرژی، توسعه اقتصادی و حفظ استقلال سیاسی خود، به سمت همکاری‌های استراتژیک با این کشورها گرایش پیدا کند. علاوه بر این، این سیاست بر اهمیت ایجاد شبکه‌های همکاری اقتصادی و فناوری تأکید دارد که می‌تواند به کاهش وابستگی به بلوک غرب و افزایش تاب‌آوری اقتصادی کشور منجر شود. در این چارچوب، دیپلماسی علمی و فرهنگی نیز به عنوان ابزاری مؤثر برای تقویت روابط با کشورهای آسیایی مطرح شده است. همچنین، با توجه به تهدیدات و فشارهای سیاسی از سوی قدرت‌های غربی، به ویژه ایالات متحده آمریکا، این رویکرد به عنوان راهبردی کلیدی برای مقابله با تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی به کار گرفته شده است. این شرایط موجب تسریع در گسترش همکاری‌ها با کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای و دیگر بازیگران منطقه‌ای شده است.

در نهایت، سیاست نگاه به شرق به عنوان یک استراتژی واقع‌بینانه و منعطف، زمینه‌ساز توسعه همکاری‌های چندجانبه و متنوع در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی است که می‌تواند جایگاه ایران را در نظام بین‌الملل تقویت کند و به تحقق اهداف توسعه پایدار کمک نماید. در پیگیری سیاست نگاه شرق و دیپلماسی ایران با چین و روسیه در چارچوب سیاست «نگاه به شرق»، دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران کاملاً هماهنگ با تحولات میدانی و راهبردهای کلان کشور پیش می‌رود. دولت خطوط اصلی برنامه‌های خود را بر اساس رهنمودهای رهبر معظم انقلاب در حوزه سیاست خارجی تنظیم کرده و ابتکار عمل در این زمینه محدود به چارچوب‌های تعیین‌شده است. به عنوان نمونه، در دیدار رهبر انقلاب با رئیس‌جمهور روسیه، ایشان بر ضرورت عملیاتی شدن تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای میان ایران و روسیه تأکید کردند و همکاری‌های بلندمدت میان دو کشور را به نفع هر دو طرف دانستند (رهبر انقلاب، ۱۴۰۱/۰۵/۱۶). این دیدگاه در سطوح عالی دولت نیز مورد پیروی قرار گرفته و به عنوان خط مشی اصلی در اجرای سیاست خارجی دنبال می‌شود (تقوایی پور، باقری دولت آبادی، ۱۴۰۳، ص ۱۱۴). نمونه دیگری از این هماهنگی را می‌توان در روابط ایران با چین مشاهده کرد.

توسعه همکاری‌ها با چین بخش جدایی‌ناپذیر سیاست نگاه به شرق است که همواره مورد حمایت رهبر انقلاب بوده است. رئیس‌جمهور کشور نیز در راستای این رویکرد، در دیدار با وزیر دفاع چین، ضمن تأکید بر اهمیت تحولات منطقه‌ای و جهانی، بر ارزش افزوده همکاری‌های راهبردی میان دو کشور تأکید کرد. وی اعلام داشت که این روابط راهبردی، فارغ از تحولات بین‌المللی و مبتنی بر اعتماد سیاسی متقابل دنبال می‌شود و اجرای موفق برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله، اولویت اصلی در این مسیر است؛ همچنین در توسعه اقتصادی و ظهور قدرت‌های نوظهور اقتصادی، مصرف انرژی در جهان را به طور قابل توجهی افزایش داده است. در این میان، قاره آسیا به عنوان پویاترین منطقه اقتصادی جهان، از حساسیت و آسیب‌پذیری بالایی در زمینه امنیت انرژی برخوردار است. مصرف انرژی در آسیا بالاترین نرخ رشد را در سطح جهان دارد و در بین کشورهای آسیایی، چین با داشتن بیشترین میزان مصرف و نرخ رشد مصرف انرژی و همچنین سریع‌ترین رشد اقتصادی، نگرانی‌های جدی در خصوص تضمین تأمین انرژی مورد نیاز اقتصاد خود دارد. دستیابی به منابع مطمئن انرژی، عاملی اساسی در تضمین تداوم فرآیند مدرنیزاسیون و انتخاب استراتژیک چین محسوب می‌شود. رشد سریع اقتصادی چین باعث شده است که طی ده سال گذشته، مصرف انرژی این کشور حدود ۹۰ درصد افزایش یابد (واعظی، ۱۳۸۵، ص ۱۵)؛ از این رو، تأمین انرژی از کشورهای تولیدکننده نفت و گاز، به ویژه اعضای سازمان همکاری شانگهای، برای چین و پس از آن هند اهمیت بسیار بالایی دارد که این بحث جداگانه را می‌طلبد که در این مقاله نمی‌گنجد.

در مجموع، سیاست نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران، راهبردی واقع‌بینانه و متناسب با شرایط ژئوپلیتیکی کنونی است که با هدف ایجاد توازن در روابط بین‌الملل و بهره‌گیری از فرصت‌های منطقه‌ای و جهانی، جایگاه ایران را در عرصه بین‌المللی تقویت می‌کند. این سیاست در دولت‌های مختلف با شدت و ضعف متفاوت دنبال شده و همچنان به عنوان یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی ایران باقی مانده است.

۳. اتحاد با کشورهای اسلامی

راهبرد اتحاد و ائتلاف اگر با جذب و هماهنگی با ابرقدرت‌ها (شرق و غرب) همراه باشد، با اصول عزت، حکمت و مصلحت ناسازگار است. اما آیا این سه اصل در اتحاد و همکاری با کشورهای اسلامی همخوانی دارد؟ آیا زمینه‌ای برای ائتلاف و همکاری وجود دارد؟

برخی معتقدند به دلیل اختلافات سیاسی، قومی و ضعف امنیتی، تشکیل بلوک منسجم اسلامی دشوار است. اما آموزه‌های دینی بر اتحاد و ائتلاف میان کشورهای اسلامی تأکید دارد. جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست خارجی خود را بر پایه این اتحاد قرار دهد و برای وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام تلاش کند. اولویت روابط خارجی ایران، همکاری با کشورهای مسلمان و غیرمتعهدی است که مستقل از ابرقدرت‌ها عمل می‌کنند. و اساساً فلسفه تشکیل حکومت اسلامی و عمل به احکام شریعت و اجرای قانون اساسی نیز بر اساس آموزه‌های هاس اسلام می‌باشد، و به حکم آیه ی (انّ هذه امتکم واحده و انا ربکم فاعبدون) (انبیاء: ۹۲)، مسلمانان یک امت هستند و جمهوری اسلامی موظف است سیاست خود را بر اتحاد و ائتلاف کشورهای اسلامی پایه‌ریزی کند و برای تحقق وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام تلاش کند. اولویت سیاست خارجی، گسترش روابط با کشورهای مسلمان و همسایگان و آن‌هایی است که به ایران احترام می‌گذارند. همچنین کشورهای غیرمتعهدی که مستقل از تصمیمات ابرقدرت‌ها عمل می‌کنند، جایگاه ویژه‌ای دارند.

از نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اتحاد و ائتلاف ضرورت است و موجب احیای عزت اسلام و مسلمین است. «امروز امت اسلام به اتحاد، همدلی و همکاری نیاز دارد. بیداری ملت‌ها، حضور فعال در صحنه و ضعف رژیم صهیونیستی فرصت بزرگی برای امت اسلام است تا با همت نخبگان علمی، سیاسی و دینی، این حرکت را ادامه دهند و روزی عزت واقعی اسلام را ببینند» (رهبر انقلاب، ۱۳۹۰/۱۱/۲۱)، مصلحت امروز جهان اسلام ایجاد اتحادیه‌ای قوی و مستحکم است. اگر کشورهای اسلامی به هم نزدیک و همکاری می‌کردند، مشکلات تلخ امروز مانند بحران سوریه و بحرین پیش نمی‌آمد. راه حل اختلافات، اتحاد است و علما و نخبگان باید منشور وحدت اسلامی را تهیه کنند تا از تفرقه و تکفیر جلوگیری شود. این منشور به گونه‌ای از دیدگاه ایشان به این دلیل است که باشد که هیچ گروهی دیگران را از اسلام خارج ندادند. آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است جهان اسلام باید در مسیر حفظ استقلال، پیشرفت علمی و قدرت معنوی، با توکل به خدا و تمسک به دین تلاش کند. اگر همه برای خدا و در راه اتحاد حرکت کنند، هم ملت‌ها و هم دولت‌های اسلامی بهره‌مند خواهند شد. اتحاد کشورهای اسلامی باعث قدرت بیشتر آن‌ها می‌شود و وابستگی به قدرت‌های خارجی مانند آمریکا بی‌فایده است. استکبار جهانی تلاش می‌کند دولت‌های اسلامی را از هم جدا کند، اما اگر این دولت‌ها متحد باشند، شکست‌ناپذیر خواهند بود. دولت‌های اسلامی باید به جهان اسلام و امت اسلامی که همچون دریایی عظیم و خروشان است متصل شوند و به یکدیگر نزدیک گردند. «استکبار جهانی تلاش می‌کند تا یک دولت اسلامی را هدف قرار دهد، آن را از دیگران جدا کند و به حساب آورد، سپس به سراغ دولت دیگری برود. بنابراین، باید به این موضوع توجه ویژه‌ای داشت که دولت‌های اسلامی باید متحد و منسجم باشند تا بتوانند مقاومت کنند» (رهبر انقلاب، ۱۳۸۶/۰۱/۱۷)، جمهوری اسلامی ایران نیز برای حفظ منافع ملی خود در عرصه بین‌المللی نیازمند اتحاد و ائتلاف است و باید در سیاست خارجی آزادی عمل بیشتری داشته باشد تا به اهداف ملی دست یابد.

نتیجه‌گیری

در این فصل، نقش اصول عزت، حکمت و مصلحت در تنظیم راهبردهای سیاست خارجی از منظر مقام معظم رهبری مورد واکاوی قرار گرفت، گفته شد که راهبرد انزواگرایی یا بی‌توجهی به محیط پیرامونی و حفظ وضعیت موجود جایگاهی ندارد و با شاخصه‌های مطرح شده و اهداف کلی نظام‌های ملی و فراملی نظام اسلامی در قبال مسلمانان و محرومان و مستضعفان سازگاری ندارد؛ اصول عزت، حکمت و مصلحت نیز این همخوانی را تأیید نمی‌کنند.

راهبرد دوم، عدم تعهد واقعی است که با مبانی عزت‌مداری و عزت‌خواهی همسو است، زیرا عدم تعهد واقعی یعنی اتخاذ مواضع مستقل و نه شرقی و نه غربی، به معنای عدم وابستگی سیاسی است و هدف اصلی این راهبرد رسیدن به استقلال و حفظ آن از تهدید بیگانگان است. رعایت اصل نه شرقی و نه غربی نیز با اصل حکمت منافاتی ندارد، بلکه در جهت تقویت روابط دو یا چندجانبه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، رعایت هر دو اصل ضروری است. ایجاد ارتباط سالم بر پایه منافع مشترک، بدون اتکا به زور و سلطه‌جویی و استحکام ارتباطات مبتنی بر تفکر عقلانی و راه اسلامی از لوازم همسویی عدم تعهد با اصل حکمت است. با توجه به سخن حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که فرمودند: «نفی شرق و غرب بیت‌الغزل انقلاب است»، همچنین اقتضای اصل مصلحت نیز عدم وابستگی جمهوری اسلامی ایران به هیچ کدام از نظام‌ها و قدرت‌هاست. حفظ انقلاب اسلامی و مصلحت ایجاب می‌کند راهبرد عدم تعهد دنبال شود.

راهبرد سوم، بی‌طرفی است که به طور کامل با اصول مطرح شده در سیاست خارجی از سوی رهبر معظم انقلاب همخوانی ندارد، البته با توجه به اقسام آن باید تفکیک قائل شد. مهم‌ترین آن‌ها بی‌طرفی مثبت و منفی است. خودداری و بی‌طرفی به معنای کناره‌گیری از مناقشات بین‌المللی و حفظ وضعیت موجود از شاخصه‌های بی‌طرفی منفی است که با عزت، حکمت و مصلحت در تضاد است. زمانی که دولتی بی‌طرفی منفی را اتخاذ می‌کند که نقش انفعالی در صحنه سیاست بین‌الملل داشته باشد، تمایل به ورود به مناقشات و حوادث جهانی نداشته و از اتخاذ هرگونه موضع سیاسی و بین‌المللی خودداری کند، در حالی که بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت، نقش فعال و مؤثر برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی مورد تأیید است.

اما در مورد بی‌طرفی مثبت و فعال، با توجه به مصلحت و شرایط زمان و مکان، این نوع بی‌طرفی با اصول سه‌گانه عزت، حکمت و مصلحت سازگار بوده و حتی گاهی ضروری است. برای حفظ عزت و استقلال، بر اساس منطق محکم و به منظور حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت، اتخاذ راهبرد بی‌طرفی فعال جنبه ضرورت پیدا می‌کند. این نوع بی‌طرفی با شاخصه‌های مثبت خود مانند تلاش برای محدود کردن جنگ‌ها، جلوگیری از ورود سایر دولت‌ها به صحنه‌های دیگر، حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت، عدم مداخله در امور داخلی کشورها، حفظ نیروها و جلوگیری از هدررفت امکانات لجستیکی و مشارکت مؤثر در مدیریت بحران‌ها، با اصول سه‌گانه همخوانی دارد.

در بررسی نقش اصول سه‌گانه عزت، حکمت و مصلحت و راهبرد اتحاد و ائتلاف، باید میان اتحادها تفکیک قائل شد. ائتلاف و اتحاد با برخی ابرقدرت‌ها، که بر اساس بی‌عدالتی و رابطه نابرابر و محرم اسرار قرار دادن یکدیگر است، موجب خدشه‌دار شدن عزت اسلامی، به خطر افتادن اصل حاکمیت ملی و خطر وابستگی می‌شود. این موضوع نسبت به برخی دیگر از ابرقدرت‌ها مانند روسیه متفاوت است. آنچه حکمت، مصلحت و شرایط فعلی اقتضا می‌کند، تأیید اتحاد و ائتلاف و تأکید دولتمردان بر روابط دوسویه است. تغییر خوی استکباری و نگاه نابرابر و یک‌سویه روسیه سابق، جای خود را به روسیه جدید داده است که خواهان ارتباطات دو سویه و احترام متقابل است. این امر از جمله عواملی است که رهبر فرزانه انقلاب نگاه راهبردی با روسیه را مثبت ارزیابی می‌کند. اتحاد و ائتلاف با مسلمانان و دولت‌های اسلامی نیز بر اساس آیه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» که همه مسلمانان را یک امت معرفی می‌کند، واجب و ضروری است. دولت جمهوری اسلامی موظف است سیاست کلی خود را بر پایه اتحاد و ائتلاف ملل اسلامی قرار دهد و تلاش کند وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد. به طور کلی، پیوستن به هر نوع اتحادیه‌ای که تامین‌کننده منافع و مصالح ملی، همراه با حفظ عزت ملت و بر اساس منطق حکیمانه باشد، مورد تأیید است. بر اساس اصل عدالت، اگر روابط اعضا دو سویه، عادلانه و برابر باشد، قابل قبول خواهد بود.

کتابنامه

- قرآن کریم
- ۱. تقوایی پور، رحمان، باقری دولت آبادی، علی، عوامل موثر بر رویکرد نگاه به شرق در سیاست خارجی دولت سید ابراهیم رئیسی، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین الملل، دوده ۱۳، شماره ۱، شماره پیاپی ۲۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۳.
- ۲. ثقفی عامری، ناصر، استراتژی در فرآیند تحول، اطلاعات سیاسی_اقتصادی، شماره ۴۳ و ۴۴، ص ۲۰۵ و ۲۰۶، سال نوزدهم، ش اول و دوم، مهر و آبان ۱۳۸۳.
- ۳. حاتمی‌راد، منصور، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از نگاه مقام معظم رهبری، مجله حصون، زمستان ۱۳۸۵، شماره ۱۰، (مجموعه مقالات)، چاپ اول، قم: سپاه. هالستی، کی جی، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام متقیمی و مسعود طارم سری، تهران: وزارت امور خارجه، چاپ ۱۳۷۳.
- ۴. خامنه‌ای، سیدعلی. سایت امام خامنه‌ای، Farsi.Khamenei.ir.
- ۵. خامنه‌ای، سید علی، چشمه نور، جلد ۱.
- ۶. خامنه‌ای، سید علی، حدیث ولایت، جلد ۱.
- ۷. خرمشاهی، بهاء‌الدین، دائرة المعارف تشیع، جلد ۶.
- ۸. خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۹. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، ۱۵ جلدی، تهران، دانشگاه تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۷۳.
- ۱۰. دهقانی فیروزآبادی، جلال، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر سمت، ۱۳۸۸.
- ۱۱. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، مقاله «گفتمان عدالت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، نشریه معرفت اسلامی، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
- ۱۲. رسولی ثانی‌آبادی، الهام، درآمدی بر مهم‌ترین مفاهیم و اصطلاحات روابط بین‌الملل، چاپ اول، تهران: انتشارات تپسا، زمستان ۱۳۹۳.
- ۱۳. رضایی اندیشمند، ابوالقاسم، (عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه مقام معظم رهبری)، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، دانشکده علوم سیاسی، اجتماعی و تاریخ، پایان نامه ارشد، بهار ۱۳۹۵.
- ۱۴. زرگر، افشین، تنگناهای اتحاد استراتژیک بین ایران و روسیه.
- ۱۵. ستوده، محمد، نقد و بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳.
- ۱۶. سریع‌القلم، محمود، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، تهران: نشر مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۸۲.

۱۷. سیف‌زاده، حسین، اصول روابط بین‌الملل (الف و ب)، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر، زمستان ۱۳۷۸.
۱۸. شاپوری، مهدی، سیاست نگاه به شرق در پرتو تحولات اخیر در روابط ایران با چین و روسیه، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ماه نگار دیده بان امنیت ملی، شماره ۱۲۹، صفحه ۱۴۱ تا ۱۴۸، سال ۱۳۹۹.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، نشر دار المعارف، ۱۳۶۷.
۲۱. طهرانی، محمود، خلیج فارس و آینده خاورمیانه، تهران، انتشارات تهران، ۱۳۷۰.
۲۲. علی‌بابایی، غلامرضا، فرهنگ سیاسی آرش، چاپ اول، تهران، انتشارات آشیان، ۱۳۸۲.
۲۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۲۴. قوام، عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، چاپ دوم، انتشارات سمت، ۱۳۷۲.
۲۵. محمدی، منوچهر، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مسائل، تهران: چاپ اول، زمستان ۱۳۷۷.
۲۶. مقتدر، هوشنگ، مباحثی پیرامون سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی، تهران، انتشارات دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی، ۱۳۵۸.
۲۷. منصوری، جواد، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵.
۲۸. میرزا قمی، ابوالقاسم، قوانین الاصول، جلد ۲، دارالطباعة مخصوصه حاج ابراهیم، ۱۳۰۳ق.
۲۹. نجفی خمینی، محمدجواد، تفسیر آسان، جلد ۱۰، چاپ اول، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۹۸.
۳۰. واعظی، محمود، تحولات سازمان همکاری شانگهای و عضویت ایران، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۳، صفحه ۷ تا ۳۲، بهار ۱۳۸۵.
۳۱. واعظی، محمود، مقاله «راهبرد تعامل سازنده و الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا»، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۷.